

جهاد تبیین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دفاع از ولایت^۱

فهیمة پودات^۲

چکیده

مسأله امامت یکی از ضروریات مذهب شیعه است. این اصل مهم از نخستین روزهای رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا عصر حاضر نادیده گرفته شده است که البته مغالطه در تفکیک مفهوم خلافت و امامت در این حوزه اندیشه‌ای، چالش برانگیز می‌نماید. در این بین، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بعنوان الگوی معیار، با اقدامات جهادی و تبیین ساختار امامت، محدوده حقوقی آن و نیز شرح حوزه‌های عقیدتی ولایت، به دفاع از این مهم پرداختند. حضرت معصومه علیها السلام نیز از جمله شخصیت‌هایی است که در این حوزه فکری-عقیدتی، عملکرد سیاسی مشابهی را ارائه کرده است. ایشان با انتخاب شهر قم، عملکرد بسیار مطلوب و هدفمندی را در دستور کار خویش قرار دادند؛ وانگهی تاسی به رفتار سیاسی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که با انتخاب بهترین مکان، یعنی مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که مهم‌ترین تربیون سیاسی وقت بود، به جهاد تبیین در دفاع از مقام امامت پرداختند، جلب توجه می‌نماید. افزون بر آنکه سکوت و رویگردانی از حاکمیت نوپای وقت و همچنین گریه‌های هدفمند، در خواست از مهاجرین و انصار، از جمله اقداماتی بود که توسط حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ابداع و بعدها مشابهت رفتاری هوشمندانه‌ای در اقدامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام عیان است. مهاجرت به شهر قم، افشاگری و سخنرانی‌های متقن، از جمله این تشابهات رفتاری است. از آنجا که یکی از چالش‌های امروز در جامعه، شبهات امامت. ولایت در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام است که گاه در عدم تبعیت از رهبر انقلاب اسلامی به عنوان ولی فقیه نیز نمود پیدا می‌کند، زنان جامعه امروز باید برای مواجهه با این چالش‌ها، از الگوی معیار در امور رفتاری و کلامی خود تبعیت کنند. نوشتار حاضر می‌کوشد با روش تحقیق کتابخانه‌ای، اقدامات جهادی و مناسبت‌های سیاسی-رفتاری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام در جهت دفاع از جایگاه حقیقی و حقوقی امامت را به عنوان الگوی پیش روی زنان در مواجهه با شبهات امامت و ولایت، تبیین کند.

واژه‌های کلیدی: جهاد تبیین، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، امامت، ولایت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۷/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳

۲. طلبه سطح سه کلام اسلامی گرایش امامت، مؤسسه آموزش عالی حوزوی فاطمه معصومه علیها السلام بندرعباس. @mfraisi59@gmail.com

مقدمه

مقوله امامت به عنوان یک موهبت الهی، در اندیشه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه در بسیاری از آیات قرآن و روایات ائمه علیهم‌السلام بدان اشاره شده است. حضرت زهرا علیها‌السلام، از شخصیت‌های برجسته اسلام و الگوی تمام عیار جهانیان، اقدامات قابل توجهی در راستای تحقق اهداف دین اسلام انجام داده است. یکی از اقدامات جهادی و مهم حضرت زهرا علیها‌السلام، دفاع از مقام امامت و ولایت است. پرواضح است که در ازمنه مختلف همواره دشمنان اسلام سعی بلیغ خود را معطوف به مخاطره انداختن این مقام الهی و غضب جایگاه ناسوتی، یعنی مقام خلافت ساخته‌اند؛ بنابراین معرفت امام و دفاع از مقام امامت، برای حفظ دین و دست یابی به تکامل با بهره‌گیری از سیره بزرگان لازم است و در صورت عدم وقوع این مهم، منصب امامت تهدید شده، سیر تکامل بشر و حتی نظام آفرینش دچار اختلال گشته و هدف اصلی خلقت انسان از تحقق دور می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از آغاز رسالت خود به مسأله وصایت و امامت بعد از خود اهتمام ویژه‌ای داشتند، اما پس از رحلت ایشان، مقام خلافت از امام علی علیه‌السلام سلب و جایگاه ایشان غضب شد. حضرت زهرا علیها‌السلام از اولین شخصیت‌هایی بودند که در دفاع از حریم امامت، اقدامات جهادی شایسته‌ای انجام دادند و به تبیین این جایگاه و دفاع از آن پرداختند. سلب مقام امامت، اختصاص به زمان امام علی علیه‌السلام نداشته است و دیگر امامان را نیز شامل شده است؛ از این رو شخصیت‌های برجسته‌ای از جمله حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام، در مسیر دفاع از امامت، قدم‌های جهادی قابل توجهی برداشته‌اند. با مطالعه دقیق زندگی حضرت زهرا علیها‌السلام و حضرت معصومه علیها‌السلام، اقدامات جهادی و رفتاری زیادی از جمله سکوت سیاسی، سخنرانی‌های کوبنده، هجرت و غیره قابل مشاهده است که این بزرگواران در طول عمر کوتاه خود به تبیین این اقدامات جهادی پرداخته، از مقام ولایت حمایت کرده‌اند و الگوی کامل و جامعی را پیش روی زنان قرار داده‌اند.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که جهاد تبیین حضرت زهرا علیها‌السلام - بعنوان الگوی

شاخص زنان و مردان عالم - و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در راستای دفاع از ولایت چیست؟ با بررسی آثار و منابع علمی، تألیفات متعددی در باب دفاع از امامت یافت می‌شود، اما در باب تطبیق اقدامات جهادی و تبیین مواضع این دو بزرگوار، اثر قابل توجهی یافت نشد. مقاله حاضر ضمن بررسی مفاهیم کلیدی، به بررسی جهاد تبیین رفتاری و کلامی حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در دفاع از حریم امامت به عنوان الگویی برای زنان امروز در مواجهه با چالش‌های مربوط به حوزه ولایت و امامت با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است.

۱. مفهوم شناسی

به منظور روشن شدن ابعاد مختلف تحقیق، ابتدا تعریف مناسبی از واژگان و مفاهیم بحث ارائه شده است:

۱-۱. جهاد تبیین

فراهیدی صاحب‌العین، در معنای جهاد از ریشه «جهد» آورده است: «الْجَهْدُ مَا جَهَّدَ الْإِنْسَانَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ أَمْرٍ شَاقٍّ فَهُوَ مَجْهُودٌ» (فراهیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶). جوهری نیز جهد و جُهد را به معنای طاقت و مشقت می‌داند و می‌گوید: «جَهْدُ اللَّبَنِ فَهُوَ مَجْهُودٌ، أَيْ أَخْرَجَتْ زُبْدَهُ كُلَّهُ» (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶۰). با توجه به معنای جهد از منظر جوهری، کاربرد فعل جَهَّد در اکثر مواردی بوده که نیاز به زحمت و تلاش فراوان دارد. ابن فارس نیز مشقت را اصل معنای جَهد بیان کرده و معتقد است که دیگر معانی نزدیک، بعداً بر آن حمل شده است: «الْجِيمُ وَالْهَاءُ وَالذَّالُ أَصْلُهُ الْمَشَقَّةُ ثُمَّ يُحْمَلُ عَلَيْهِ مَا يُقَارِبُهُ» (ابن فارس، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۸). ابن درید نوشته است که جَهد، یعنی به کار بستن نهایت طاقت و توانایی (ابن درید، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۴۵۲). بنابراین، در لغت جَهد به معنای طاقت و مشقت آمده است و جهاد و مجاهده به معنای بکارگیری نهایت تلاش و کوشش در برابر دشمن است (همان، ص ۴۵۲).

ریشه کلمه جَهد و مشتقات آن ۴۱ مرتبه در ۳۶ آیه قرآن کریم به کار رفته است که از این

موارد، در هشت کاربرد، مشتقات جهد ناظر به معنای لغوی است. از این تعداد، در پنج آیه، جهد به معنای قسم یاد کردن آمده است. ۳۳ کاربرد مشتقات این واژه نیز ناظر به معنای اصطلاحی جهاد در قرآن کریم است؛ یعنی به کار بردن تمام سعی و تلاش در مسیر تحقق اهداف الهی (کریمی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۸۹). لازم به ذکر است که جهاد تنها به شکل نظامی انجام نمیپذیرد، بلکه مبارزه و پیکار، عرصه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره را نیز شامل می‌شود. علاوه بر این، نه تنها به صورت جانی، بلکه گاهی با مال، گاهی با زبان و کلام، گاهی حتی با قلب صورت می‌گیرد (رستمی و دیگران، ۱۳۹۴، ج ۱۳، ص ۵). بنابراین، با توجه تعاریف بیان شده، جهاد به معنای تلاش توأم با رنج و نبرد با دشمن همراه با به کار بردن حداکثر نیرو و توان به صورت عملی و کلامی برای احقاق حق در راستای نابودی باطل و دشمن است.

واژه «تبیین» از ریشه «بین»، به معنای روشن، آشکار و هویدا است (افرام البستانی، بیتا، ص ۴۱-۴۳). در قاموس قرآن در معنای بیینه آمده است: «بَانَ الشَّيْءُ عَنِ الشَّيْءِ؛ قطع شد» و گویند: «بَانَ الشَّيْءُ بَيَانًا؛ آشکار و روشن شد». در «انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَكُمْ الْآيَاتِ» (مائده: ۷۵) ثلاثی و افعال و تفعیل و تفعل و استفعال این کلمه هم لازم و هم متعدی هر دو آمده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۰۸). واژه «تبیین» در بسیاری از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف، روشنگری و وضوح آمده است؛ از این رو بیینه که در آیات قرآن هم به آن اشاره شده است، به چیزی گفته میشود که دلیل روشن و آشکاری است؛ خواه عقلی باشد یا محسوس. به همین دلیل به دو شاهد عادل که در امور قضایی شهادتشان مدرک است، بیینه اطلاق می‌شود. به معجزات انبیاء نیز بیینه گفته شده است و «تبیین» به معنای پرده برداری از چیزی است؛ خواه به وسیله نطق بوده باشد یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۳).

بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام، «جهاد تبیین» به معنای روشن شدن حقایق و حرکت تبیین، خنثی کننده حرکات و توطئه‌های دشمن است (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

روش اسلام و پیشوایان دینی در مواجهه با دشمنان، تبیین است و همین تبیین موجب شده است که انقلاب اسلامی بر بسیاری از توطئه‌ها در طول تاریخ و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

بنابراین طبق تعاریف ارائه شده، جهاد تبیین به معنای کمال تلاش، همراه با رنج و سختی به منظور کشف حقایق و رسیدن به هدف مطلوب است. چنانچه مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در سایر منویات خود به صورت مستمر به واژه جهاد تبیین اشاره و آن را به معنای بیان و ابهام زدایی افکار مردم، نشر حقایق و معارف ناب اسلامی همراه با منطق و سخن قوی، عقلانیت کامل، زینت عاطفه و به‌کارگیری اخلاق بیان کرده‌اند.

۲-۱. ولایت

در بیان معنای لغوی این واژه آمده است که ولایت به کسر واو، به معنی نصرت و بفتح واو، به معنی تولی امر است و بقولی، هر دو یکی و حقیقتش تولی امر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵۸). از منظر شهید مطهری، «ولایت» اصلی‌ترین پیش نیاز امامت و از شروط مهم آن است و تا ولی حضور و ظهور داشته باشد، کس دیگری نمی‌تواند رهبر مسلمانان شود و زمام امور دینی و دنیوی آن‌ها را به دست گیرد، چون این یک اصل عقلایی و بدیهی است که تا افضل و اکمل حضور دارد، نوبت به دیگران نمی‌رسد، مگر اینکه آن «ولی مطلق» این اجازه را به او داده باشد - مثل ولی فقیه در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام - و او تحت نظر آن ولی، به اداره امور مسلمانان در حیطة محدود اختیارات داده شده، پردازد و پا را از آن فراتر نگذارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲، ص ۷۸۴۶). بنابراین، آن مقام «ولایت الهی» که به ائمه معصومین علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده می‌شود، همان مقام خلیفة اللہی است که هدف آفرینش انسان است و با همین مقام، مسجود ملائکه واقع شده است و اگر این ولی نباشد، زمین اهلس را در خود فرو می‌برد (همان، ص ۷۶۴۶).

۱-۳. امام

با توجه به شباهت معنایی دو لغت «ولی» و «امام»، مناسب است واژه «امام» در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرد. کلمه «امام» به معنای پیشوا آمده است. جمع این واژه ائِمَّة (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۲۰) و معنی جامع آن مقتدا بودن است (همان، ص ۱۲۱). راغب اصفهانی در تبیین معنای امام آورده است:

«الإمام: المؤمن به، إنساناً كأن يقتدى بقوله أو فعله، أو كتاباً، أو غير ذلك محققاً كان أو مبطلاً، وجمعه: أئمة.» و قوله تعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ (اسراء: ۷۱)، آی: بالذی یقتدون به، و قیل: بکتابهم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷)؛ امام کسی است که به پیشوایی او در قول و فعل اقتدی می‌شود و یا کتابی و چیزی است، چه بر حق باشد و چه بر باطل. جمع امام، ائِمَّة است و در آیه ۷۱ سوره مبارکه اسراء آمده است که امام یعنی به کسی که به او اقتدی می‌کردند و گفته شده یامامهم، یعنی به کتابشان است.

در کتب کلامی درباره امام آمده است که کلمه امام، یعنی پیشوا، کلمه پیشوا در فارسی، درست ترجمه تحت اللفظی کلمه امام در عربی است. خود کلمه امام یا پیشوا مفهوم مقدسی ندارد. پیشوا، یعنی کسی که پیشرو است، عدّه‌ای تابع و پیرو او هستند، اعم از آنکه آن پیشوا عادل و راه یافته و درست رو باشد یا باطل و گمراه باشد. قرآن هم کلمه امام را در هر دو مورد اطلاق کرده است (مطهری، بینا، ص ۸۴۲).

در تعریف اصطلاحی، «امام» آن کسی که در تمام جهات باید نمونه و الگو و أسوه باشد تا انسان بتواند به او اقتدا کند (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۰۵). «امام» به زبان خود امام، میزان الهی است، یعنی معیار و ترازوی عدل حق که دیگران باید با این ترازو سنجیده شوند تا مقدار انسانیت هر يك معلوم شود، ترازوی انسان سنج، انسان کامل است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲). به عبارت دیگر، امام، یعنی کسی که تعلیمات و حقایق اسلامی را از طریق وراثت، خوب می‌داند؛ یعنی پیغمبر آنچه را می‌دانسته است به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته

است، خالص اسلام در دست حضرت امیر بوده و بعد از او به دست ائمه ما رسیده است. احتیاجی به وحی جدید نیست، امام همان چیزی را که از طریق وحی به پیغمبر رسیده است، بیان می‌کند (مطهری، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۲۴۷). به عبارت دیگر، امام یعنی کارشناس امر دین، کارشناسی حقیقی که به گمان و اشتباه نیفتد و خطا برایش رخ ندهد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، اسلام را برای مردم آورده است. باید لاف‌ها را برای مدتی کارشناسان الهی در میان مردم باشند که اسلام را به خوبی به مردم بشناسانند (همان، ج ۴، ص ۸۷۳). بنابراین «امام» کسی که عهده‌دار امور سیاسی و اجتماعی امت است. اموری از قبیل اجرای حدود و عزل و نصب امرا و قضات و دفاع از امت و تأدیب جهانیان (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۶).

۲. جهاد تبیین کلامی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام در دفاع از ولایت

نفوذ کلام، نیرویی است که می‌توان با استفاده از آن، تأثیرات مهم و قابل توجهی بر اندیشه مخاطب گذاشت. حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان أسوه جهانیان و حضرت معصومه علیها السلام با الگوگیری از حضرت زهرا علیها السلام، با کلام نافذ خود به دفاع از ولایت پرداختند که در این مجال به مواردی از جهاد تبیین کلامی این دو بانوی بزرگوار اشاره خواهد شد.

۲-۱. معرفی پدران امت

یکی از اقدامات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، تلاش مستمر برای شناساندن و معرفی امام و ولی زمان به مردم در دفاع از ولایت است. معرفت‌ها به معنای شناخت حقیقی از منابع گوناگون به دست می‌آیند و با معرفت‌های اولیه، معرفت‌های دیگری تولید می‌شود (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵ و ۲۹). نبود معرفت حقیقی می‌تواند به جهل و پیامدهای ناشی از آن از جمله نابودی بینجامد. از این رو دین اسلام در ترغیب مردم به کسب معرفت تلاش می‌کند و آنان را پیش از هر چیز به دانش‌طلبی و دستیابی به معرفت حقیقی تشویق می‌نماید و برترین مسلمان را مسلمانی می‌داند که معرفت بیشتر دارد، نه

عبادت بیشتر. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «أَفْضَلُكُمْ إِيْمَانًا أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً»؛ برترین شما از جهت ایمان، برترین شما از جهت معرفت است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۵). حضرت زهرا علیها السلام با معرفی پدران امت و اهل بیت علیهم السلام، مقام و جایگاه ولایت را برای مردم بویژه زنان به خوبی تبیین و ترسیم می کردند. در روایتی در اهمیت معرفت امام از حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ لِعَلِيِّ ع مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيُّهُ وَمَنْ كُنْتُ إِمَامَهُ فَعَلِيٌّ إِمَامُهُ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴)؛

علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرانش نقل می کند که حضرت زهرا علیها السلام در میان مردم می فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که را من مولای اویم، علی مولای اوست و هر که را من امام و مقتدایم، علی امام اوست».

حضرت معصومه علیها السلام که با تأسی از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به جهاد تبیین پرداخته بودند، در طول مسیر سفر خود به ایران برای دیدار با امام رضا علیه السلام، به تبیین جایگاه امام و اثبات ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام پرداختند. همان گونه که امام رضا علیه السلام در میان جمعیت انبوه نیشابور، حدیث معروف سلسله الذهب را بیان نمود و مردم را به سوی ولایت اهل بیت علیهم السلام سوق داد، حضرت معصومه علیها السلام نیز که رسالت رضوی را در این سفر به دوش می کشیدند، احادیثی را نقل نمودند که در همین راستا است. ایشان حدیث غدیر که در اثبات امامت و ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام بود را مطرح کردند (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷). همچنین این بزرگوار حدیث منزلت، حدیث معراج، حدیث ثقلین، محبت به اهل بیت علیهم السلام را در طول سفر و در شهر قم جهت نشر تبلیغ آیین اسلام بیان نمودند (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۸۴).

در روایتی از حضرت معصومه علیها السلام آمده است:

«سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ ابْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَبْرِئِيلَ يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي ... بِشُرُوطِهَا، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۴)؛ از پدرم، موسی بن جعفر شنیدم که می فرماید: از پدرم، جعفر بن محمد شنیدم که می فرماید: از پدرم، محمد بن علی شنیدم که می فرماید: از پدرم، علی بن الحسین شنیدم که می فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید: از پدرم، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: از جبرئیل شنیدم که می فرماید: از خداوند جل جلاله شنیدم که می فرماید: (کلمه) لا اله الا الله حصار من است و هرکس وارد حصار من شود از عذابم در امان است...، اما این شرط‌هایی دارد و من از شرط‌های آن هستم.»

از این رو از جمله مهم‌ترین اقدامات این دو بانوی بزرگ اسلام را می‌توان جهاد معرفتی به معنای جهاد و تلاش بی وقفه در راه تبیین جایگاه امامت و ولایت در برابر انحرافات دشمنان اسلام برشمرد. معرفت و شناختی که در کلام مقام معظم رهبری علیه السلام از آن در سیره حضرت زهرا علیها السلام به دریای عظیم معرفت و مجاهدت یاد شده است؛ دریایی که باید از آن با عقلانیت کامل، منطقی و با سخن قوی به تبیین و ابهام زدایی در جامعه و افکار مردم پرداخت. از این رو با جهاد تبیین و کسب معرفت نسبت به حقایق است که بسیاری از مشکلات و چالش‌های امروزی حل خواهد شد. جهادی که این دو بانوی بزرگوار برای دفاع از جایگاه ولایت و امامت در سطح جامعه آن را تبیین کردند.

۲-۲. بصیرت افزایی

ایجاد بصیرت، روشننگری و دادن آگاهی و رشد سیاسی از دیگر رفتارهای جهادی حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام در دفاع از ولایت بود. بصیرت به معنای ژرف نگری و بینش عمیق همراه با توانایی درک درست است که انسان به وسیله آن حقیقت و تحلیل واقعیت‌ها را می‌یابد و نسبت به آن واکنش مناسب نشان می‌دهد. بهره‌مندی از چنین نگاه عمیقی همواره از جمله درخواست‌های بزرگان دین بوده است (محمدی مهر، ۱۳۹۳). حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به عنوان الگوی کامل جهانیان، با بصیرت افزایی میان مردم جامعه زمان خود و به خصوص بانوان، از مقام ولایت دفاع کردند. در تاریخ آمده است که مبارزه سیاسی حضرت زهرا علیها السلام به علت بیماری حضرت و قرارگرفتن ایشان در بستر بیماری کم رنگ شده بود. وقتی زنان مهاجر و انصار که در مکتب حضرت مشغول تعلیم و تربیت فرهنگی بودند برای عیادت به خانه حضرت رفتند، حال آن حضرت را جویا شدند؛ حضرت فاطمه علیها السلام از حال خود سخن نگفتند، بلکه به دفاع از حریم ولایت پرداختند و از سستی مردان آن‌ها سخن گفته که حق او را فراموش کرده‌اند و سکوت اختیار نموده‌اند. بازتاب سخنان حضرت به تدریج درون خانه‌ها آتشی به پا کرد و انقلابی پُرخروش را جهت داد که به حریم خانه‌ها راه یافت و نطفه‌های آگاهی و بصیرت را دوباره زنده کرد (دستی، ۱۳۷۳، ص ۳۰). آن حضرت در بخشی از خطبه‌ای که در جمع زنان مهاجر و انصار ایراد کردند، می‌فرمایند:

«به خدا سوگند! اگر پای در میان می‌نهادند و علی علیه السلام را بر زمام امور که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برعهده او نهاده بود، می‌گذارند و این حجت واضح را پذیرا می‌شدند، ایشان را به آسانی به راه راست می‌برد و حق هر یک را به او می‌سپرد، چنانکه کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. این شتر را سالم به مقصد می‌رساند و حرکتش برای کسی رنج‌آور نبود و تشنگان عدالت را از چشمه سرشار و زلال حقیقت سیراب می‌کرد؛

چشمه‌ای که آب زلال آن فواره زنان از هر طرفی جاری است و هرگز رنگ
 کدورت نپذیرد.» (همان: ۳۱).

حرکت و سخنرانی حضرت معصومه (علیها السلام) به سمت قم، در آغاز انقلاب درونی برپا کرد که منجر به همراهی عده‌ای امامزادگان، برادران، عموزاده‌ها و سادات بنی هاشم با ایشان شد و سخنرانی‌های کوبنده حضرت در مسیر مدینه، بغداد، ساوه و قم در بین مردم و برخی سخنرانی‌های کوبنده ایشان، مسیر خلافت و امامت به کلی تغییر کند (یوسفی، بی تا، ص ۶۴-۷۹). بنابراین دادن آگاهی و بصیرت و بالا بردن رشد سیاسی مردم و بخصوص بانوان و وارد شدن آتش مبارزات سیاسی درون خانواده‌ها، از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های مبارزاتی این دو بانوی بزرگوار در مسیر دفاع از حریم ولایت بود که بی‌اگر اهمیت و جایگاه زن و تأثیرگذاری وی در خانواده به عنوان میدان اصلی بصیرت‌افزایی به جوامع امروزی بویژه بانوان است.

۲-۳. افشاگری و مبارزه با انحرافات

از مهم‌ترین اقدامات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)، علنی کردن ظلم غاصبان امامت و حاکمان جور و تبیین جایگاه و مقام فراموش شده امام در بین مردم جامعه بود. این دو بانوی بزرگوار با سخنان کوبنده و افشاگری از ظلم و عملکرد غاصبان ولایت و خلافت در جامعه، اذهان خفته را بیدار کردند و مردم را متوجه امام حقیقی جامعه ساختند. حضرت زهرا (علیها السلام) در اعتراض به غاصبان خلافت تدبیری اندیشید که همراه با گروهی از بانوان آگاه، برجسته، آزادی‌خواه و مخالف بیداد به همراه ایشان به سمت مسجد حرکت کردند (محقق، ۱۳۸۰، ص ۸۱) و در جهت دفاع از امام زمان خود حماسه‌ها آفریدند. فدک، مهم‌ترین و صحیح‌ترین اصل تبلیغاتی حضرت فاطمه (علیها السلام) در دفاع از ولایت و امامت علی (علیها السلام) بود؛ خطبه حماسی و پرشوری که حضرت در مسجد رسول الله (صلی الله علیه و آله) در اجتماع مهاجرین و انصار ایراد فرمود و به خطبه فدکیه شهرت یافت. این خطبه را می‌توان یک دوره معارف اسلامی دانست

که اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ به این خطبه توجه خاصی داشته‌اند و آن را به فرزندان خود تعلیم می‌دادند (همان: ۸۴).

حضرت در شروع و پایان خطبه، ضمن اعلام حق و دفاع از حق مغضوب امام و امت و دفاع از حقوق خویش، به رسالت عظیم الهی خود در هدایت انسان‌ها اهتمام ورزیده و با بیان سرچشمه‌های معارف الهی و فلسفه توحید و نبوت و احکام و عمل شراعی به تجلی عمیق از سیر تاریخی جوامع و انحراف و ارتجاع مسلمین پس از نجات و هدایت الهی و ولایت میپردازد و با سخنرانی کوبنده خود تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد (نیکویرش راد، بیتا، ص ۲۱۲). در این خطبه، چند فراز وجود دارد که در ابتدا فاطمه زهرا علیها السلام با یادآوری رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع از رهبری و امامت بر حق حضرت علی علیه السلام و حق مالکیت خویش بر فدک، از لحاظ قانون ارث در اسلام با سازشکاران سیاسی اتمام حجت کرد.

ایشان در فرازی از این خطبه می‌فرمایند: «هان ای مردم بدانید من فاطمه‌ام! پدرم محمد، ابتدا و انتهای کلامم یکی است. هرگز آنچه می‌گویم غلط نبود و آنچه انجام می‌دهم ظلم نیست» (نعیمانی، ۱۳۸۴، ص ۴۹).

حضرت زهرا علیها السلام در مکان‌های متعدد مقابل مخالفان و غاصبان حق امام زمان خود تلاش‌های وافر داشتند. در فرازی از خطبه فدک آمده است: «أَسَيِّئُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. و قوله انت مني بمنزلة هارون من موسى؛ آیا سخن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در روز غدیر خم فراموش کردید که فرمود: هر کس من مولای او هستم، پس علی نیز مولای اوست (دشتی، ۱۳۷۲، ص ۳۲). در فرازی دیگر نقل شده است: «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ حُمٍّ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُدْرٍ؛ پس از غدیر خم، خداوند برای هیچ‌کس عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است (طبری، ۱۴۱۴، ص ۱۲۲).

در فرازی دیگر، حضرت در افشاگری خود علیه حکومت غاصب و سازشکاران سیاسی در جمع زنان انصار می‌فرماید: «الْيَكْفُكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَعْذِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَفْصِيرِكُمْ هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا؟؛ دور شوید و مرا به حال خود واگذارید. پس از کوتاهی و

سهل انگاری، جایی برای عذرخواهی نمانده است. آیا پدرم پس از حادثه غدیرخم جایی برای عذرتراشی و بی تفاوتی باقی گذاشته است؟ (بحرانی، ۱۴۱۳، ص ۸۲۴).

حضرت در بیان دیگری این‌گونه به دفاع از حریم امامت پرداخته است:

« أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ فَقَدَ النَّبِيُّ وَ ظَلِمَ الْوَصِيُّ هُنكَ وَ اللَّهُ حِبَابُهُ مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مُقْتَصَّةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَ سَنَّهَا النَّبِيُّ فِي التَّأْوِيلِ وَ لَكِنَّمَا أَحْقَادُ بَدْرِيَّةٍ وَ تَرَاتُ أَحَدِيَّةٍ كَانَتْ عَلَيَّهَا قُلُوبُ الْإِتِّفَاقِ مُكْتَمِمَةً لِإِمْكَانِ الْوَشَاةِ. فَلَمَّا اسْتَهْدَفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَائِبَ آثَارِ مِنْ مَخِيلَةِ الشِّقَاقِ فَيَقْطَعُ وَتَرَ الْإِيمَانَ مِنْ قَسِيٍّ صُدُورِهَا وَ لَيْئَسَ عَلَى مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَ كِفَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ. أَحْزَرُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْيَا بَعْدَ أَنْتَصَارِ مَنْنِ فَتَكَ بِآبَائِهِمْ فِي مَوَاطِنِ الْكَرْبِ وَ مَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ (همان، ص ۸۸۹)؛

صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر ﷺ از دست رفته و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند به خدا! حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن و سنت و سفارش پیامبر ﷺ در تأویل و تفسیر قرآن، حق امامت او را غصب کردند و به دیگران سپردند. این‌گونه برخوردهای خصمانه از کینه‌توزی‌های جنگ بدر و خونخواهی کشتگان‌شان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق‌آمیز و اندیشه فتنه انگیزشان پنهان بوده است و تاکنون جرئت اظهار آن را نداشتند. تا در آن هنگام که حکومت الهی بازیچه دست قدرت طلبان شد و امام حق، منزوی شد، آتش کینه‌های دیرینه‌شان زبانه کشید و باران مصیبت‌ها را بر ما فرو ریختند و رشته‌های ایمان را دریدند و نسبت به وعده‌های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت رسول خدا و سرپرستی مؤمنان چه زشت عمل کردند، اما افسوس که در جهت انتقام گرفتن از پدران مشرک و منافق خود در جنگ‌های اسلامی علیه اسلام جنگیدند، کشته شدند، به دنیا روی آوردند و فریب دنیا را خوردند.»

راوی می‌گوید بعد از خطبه حضرت زهرا علیها السلام و روشننگری ایشان برای مردم، مهاجرین و انصار چنان گریه کردند که تا آن روز دیده نشده بود و مدینه به لرزه در آمد و فریاد مردم بلند شد و صداها از خانه‌های فرزندان عبدالمطلب و بعضی از مهاجرین و انصار بلند شد (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۴۳). این سبک از جهاد حضرت و بذری که ایشان در مسجد با سخنرانی مستدل و منطقی خود کاشتند، پس از گذشت زمان و در بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام، پس از قتل عثمان به ثمر نشست. حضرت معصومه علیها السلام، با تاسی از سیره مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، پس از دریافت نامه امام رضا علیه السلام به تنهایی راهی قم نشدند، بلکه با سخنرانی و روشننگری کوبنده این بانوی بزرگوار، تعداد زیادی از عموزادگان برادرها و امام زادگان همراه ایشان شدند و حلقه‌ی بزرگی از سادات بنی هاشم را تشکیل دادند (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶). نکته دیگر آنکه مسافرت در زمان قدیم آن هم از مدینه به خراسان برای بانوان کار بسیار سختی بود، اما حضرت معصومه علیها السلام در اطاعت از فرمان امام خویش و دفاع، بیشتر از امام خویش و ضمن گفتگوها و پرسش و پاسخ‌ها در مسیر مدینه تا قم به این حرکت سیاسی طاقت فرسا تن داده و امام زمان خویش را یاری نموده‌اند (همان).

از حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به عنوان محدث نام برده شده است و این عنوان مورد قبول همه محدثین و علمای اسلامی است. هنگامی که آن حضرت وارد قم شدند، بعضی از محدثین اشعری از جمله اصحاب رجال و یاران امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام در قم حضور داشتند. همان‌گونه که امام رضا علیه السلام در میان جمعیت انبوه نیشابور حدیث معروف سلسله الذهب را بیان نمود و مردم را به سوی ولایت اهل بیت علیهم السلام سوق داد، حضرت معصومه علیها السلام نیز که رسالت رضوی را در این سفر به دوش می‌کشید، احادیثی را نقل نمود که در همین راستا است. ایشان حدیث غدیر که در اثبات امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام بود را مطرح کردند (همان، ص ۱۵۷).

حضرت معصومه علیها السلام، برای دور شدن از فضای ظلم و جور، نشر تبلیغ آیین ناب محمدی

و از همه مهم‌تر فاش کردن چهره عباسیان و مظلومیت خاندان اهل بیت (علیهم‌السلام) و روشن ساختن اذهان جامعه با بیان سخنان بیدار کننده خویش، مردم را نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و جایگاه آنان و نقش امامت در جامعه مسلمین روشن ساختند. آن حضرت قبل از سفر و در طول سفر، به روشنگری و افشاگری در مورد فرقه واقفیه، ظلم و ستم دستگاه عباسی به خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و تبیین حقیقت مقام امامت و ولایت پرداختند و چهره ننگین خلیفه جور را طبق سخنرانی‌ها و بیان روایت‌های گوناگون با استناد به سند فاطمیات افشا کردند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۳-۱۶).

از این رو، اگر روشنگری‌های حضرت معصومه (علیها السلام) در مورد فرقه انحرافی واقفیه مبنی بر عدم توقف امامت در ولایت امام موسی کاظم (علیهم‌السلام) و امامت امام رضا (علیهم‌السلام) نبود، فرقه واقفیه در ایران به صورت بسیار گسترده پیشروی می‌کرد و امامت امام رضا (علیهم‌السلام) در کانون تردید قرار می‌گرفت. از طرفی هجرت حضرت معصومه (علیها السلام) و افشاگری این بانوی بزرگوار باعث شد انقلاب گسترده‌ای در قلوب و ایمان مردم بخصوص مردم ایران رخ دهد و فرقه واقفیه در این کشور از بین برود (یوسفی، بی تا، ص ۶۴-۷۹).

بنابراین حضرت فاطمه (علیها السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام)، با سخنرانی‌ها و روشنگری‌های خود به افشاگری از عملکرد غاصبان امامت پرداختند و جایگاه امامت و ولایت را تبیین کردند و این مهم را از مسیر انحراف نجات دادند. اگر اقدامات این دو بانوی بزرگوار نبود، اصل منصب امامت برای همیشه نابود شده و حقیقت برای همیشه در تاریخ پنهان می‌ماند.

۳. جهاد تبیین رفتاری حضرت زهرا (علیها السلام) و فاطمه معصومه (علیها السلام) در دفاع از ولایت

در این مجال، به مواردی از جهاد تبیین رفتاری این دو بانوی بزرگوار در دفاع از حریم امامت و ولایت اشاره شده است:

۳-۱. سکوت و رویگردانی از دشمن

از اقدامات حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در دفاع از ولایت، سکوت

و رویگردانی از دشمن است. سکوت و بی‌اعتنایی به دشمن یکی از بهترین روش‌های ضد جنگ روانی و رسوایی خصم است، از این رو روی گردانی حضرت فاطمه علیها السلام از غاصبان خلافت که به تازگی روی کار آمده بودند، موجب رسوایی آنان نزد مردم می‌شد. پس از غصب فدک و ایراد خطبه، غاصبان خلافت و فدک درصدد کسب رضایت حضرت فاطمه علیها السلام برآمدند تا مصداق این حدیث نبوی نشوند که «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعَضْبِكَ»؛ همانا خداوند به غضب تو غضب می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۱۵)، اما سیاست سکوت و رویگردانی حضرت، آن‌ها را برای همیشه مصداق این حدیث نبوی نمود.

در روایات اسلامی نقل شده است که شیخین وارد خانه فاطمه زهرا علیها السلام شدند و بر او سلام کردند، ولی حضرت فاطمه علیها السلام جواب سلام آن‌ها را نداد و صورتش را از آنان به سوی دیگر برگرداند، اما اصرار و سماجت ابوبکر که می‌گفت ای کاش من به جای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌مردم، باعث شد که حضرت زهرا علیها السلام لب به سخن بگشاید و بفرماید: «اگر حدیثی از پیامبر بخوانم مرا تایید می‌کنید؟» گفتند: بلی. فرمودند: «آیا از پدرم شنیده‌اید که رضایت فاطمه رضایت من و خشم او خشم من است و هرکس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هرکس او را راضی کند مرا راضی نموده و...» گفتند: آری. آنگاه حضرت زهرا علیها السلام دست به آسمان برداشت و فرمود: «من خدا و ملائک خدا را به این اعتراف شما شاهد می‌گیرم که شما مرا به خشم آوردید و مرا راضی نکردید و قطعاً زمانی که در پیشگاه خدا پدرم را ملاقات کنم، شکایت شما را خواهم کرد» (سالاری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

این سکوت حضرت با سکوت حضرت معصومه علیها السلام زمانی که هارون دستور زندانی کردن امام کاظم علیها السلام را صادر کرد، مطابقت دارد. با اندکی تفکر و تدبّر در زندگی حضرت معصومه علیها السلام درمی‌یابیم که دفاع از حریم امامت مختص به زمان امامت امام رضا علیها السلام نبود، بلکه شامل زمان امام موسی کاظم علیها السلام نیز می‌شود. زمانی که هارون امام کاظم علیها السلام را به زندان افکند، همه یاران امام و فرزندان ایشان بخصوص امام رضا علیها السلام درصدد پیدا کردن راهی بودند

که ایشان را آزاد کنند. فاطمه معصومه (علیها السلام) همچون سایر فرزندان، بی تاب و مضطرب بودند که امام رضا (علیها السلام) ایشان را دعوت به سکوت می‌کنند. در ماجرای تبعید امام رضا (علیها السلام) به ایران نیز حضرت معصومه (علیها السلام) ضمن وداع جانسوز با برادر، سکوت پیشه می‌کند، زیرا حضرت به خوبی می‌داند که پیام‌رسان نهضت و مظلومیت امامش پس از یک سال از مدینه تا قم است و باید در آنجا قبل از وصال، فدای امام خود شود (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۵۹-۵۷).

با بررسی موارد فوق مشخص می‌شود که این دو بانوی بزرگوار با بهره‌گیری از روش سکوت و جهادی همراه با رنج و سختی، گاهی درصدد حفظ جان امام زمان خود بوده و گاهی با سکوت طعنه آمیز، اعتراض خود را نسبت به شرایط موجود نشان می‌دادند و بدین طریق از مقام ولایت دفاع می‌کردند و از طرفی به خوبی جهاد سکوت را در برخی شرایط با هدف خنثی کردن توطئه‌های دشمنان و برای آیندگان، در مسیر حمایت و دفاع از ولی زمان خود تبیین کردند.

۲-۳. تحریک عواطف و احساسات

گریه هدفمند، از دیگر اقدامات جهادی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در دفاع از ولایت است. طبق بررسی‌های علم رفتارشناسی، گریه کردن انسان‌ها در موقعیت‌ها و شرایط مختلف اجتماعی، جغرافیایی و سیاسی، بیانگر بسیاری از مسائل موجود و نشان از غم، شادی و یا اعتراض شخص نسبت به موقعیت قرارگرفته در آن است. این دو بانوی بزرگوار با گریه‌های هدفمند و اعتراض‌گونه، به دفاع از ولی زمان خود پرداختند، چون گریه کردن یکی از مظاهر مظلومیت است.

شکل دیگر مبارزه حضرت زهرا (علیها السلام) با غاصبان، گریه و به نوعی عزاداری ایشان بر پدر بزرگوارشان است. گریه‌های ایشان جنبه عاطفی نداشت. نوع گریه حضرت زهرا (علیها السلام) گریه سیاسی و هدفمند بود؛ چرا که ایشان نخست سراغ فدک می‌روند و بعد به نوحه و شیون بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌پردازند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۰۶). اینکه حضرت بر قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفتند و گریه و شیون آغاز کردند، در بطن این کار اعتراض به وضعیت موجود

نهفته است و اظهار تظلم به رسول الله ﷺ در آن موج می‌زند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).
 نقل شده است که زنان مدینه برخی از پرسش‌های خود را در زمان رسول خدا ﷺ،
 از حضرت فاطمه ؑ می‌نمودند و ایشان پاسخ می‌دادند. حضرت، به نوعی استاد زنان
 مدینه بودند، از این رو ایشان را در عزاداری همراهی می‌کردند. شاگردان، دور حضرت جمع
 می‌شدند و سخنان ایشان را می‌شنیدند و فاطمه ؑ شروع به افشاگری می‌کرد. آن‌ها این
 کلمات را به همسران خود انتقال می‌دادند. بنابراین اوج بیداری از کانون گریه برخاست
 و از طریق زنان به خانه‌های مدینه سرایت کرد و برای خلیفه و دستگاه حکومت بحران
 ساز شد. آنان تلاش کردند نخست فاطمه ؑ را خاموش کنند. در تاریخ آمده است که
 اهل مدینه یا بزرگان مدینه، خدمت امیرمؤمنان علی ؑ آمدند و به ایشان عرض کردند:
 گریه‌های زهرا ؑ آرامش را از ما گرفته است، نه شب‌ها خواب داریم و نه روزها آرامش
 داریم که به دنبال کسب و کارمان برویم (مؤسسه لوح و قلم، بی تا، ص ۹۷-۹۴).

به‌طور طبیعی نمی‌توان پذیرفت که مردم چنین رفتاری را با فاطمه ؑ داشته باشند؛
 پدر این امت رحلت فرموده است و همه‌ی این امت باید در فراغ پدر خود شیون کنند.
 طبیعی است این امت باید به فاطمه ؑ حق بدهد که به عزاداری بپردازد و اعتراضی
 نداشته باشد و در غم ایشان شریک باشند و در سوگواری‌ها شرکت کنند. از این رو در
 می‌یابیم که اعتراض‌کنندگان از غاصبان خلافت بوده‌اند. مطلب قابل تأمل اینکه گریه
 حضرت فاطمه زهرا ؑ اگر در خانه باشد، مگر تا چه مسافتی شنیده می‌شود که اهالی
 مدینه بگویند ما آرامش خود را از دست داده‌ایم و اگر بر قبر پیامبر ﷺ باشد، آن نیز درون
 خانه و خروج صدا اندک خواهد بود (همان، ص ۹۶). جوسازی گروه نفاق و حاکم مبنی بر
 این بود که گریه مستمر زهرا ؑ در کنار قبر و حضور زنها در کنار ایشان، آرامش را از مدینه
 سلب نموده است و این نشان از عمق تأثیر این حرکت بر مدینه دارد. غاصبان خلافت از
 ترس روشنگری‌های فاطمه ؑ، فضایی در مدینه ایجاد کردند و عده‌ای از مردم ساده لوح
 نیز فریب خوردند و نزد حضرت علی ؑ آمدند و شکایت کردند (همان، ص ۹۷-۹۵).

گریه حضرت زهرا علیها السلام روشنگرانه بوده است و هویت غاصبان خلافت را فاش کرده است و آنان را بر آن داشت که شماری از بزرگان گروه خود را به نزد حضرت علی علیه السلام بفرستند و جوی در مدینه ایجاد کنند و برخی از مردم ساده لوح را بر آن دارند که به علی علیه السلام اعتراض کنند. این گروه برای ایجاد این فضا دست به اقداماتی زدند؛ از جمله اینکه عمر حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله جعل می‌کند که میت در اثر گریه‌های اهل او عذاب می‌شود. اینان با این جعل اعتراض خود را وجهی دینی بخشیدند و گفتند ما به این دلیل که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن دنیا اذیت نشود می‌گوییم دخترشان گریه نکند. این در حالی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حضرت حمزه و جناب جعفر اشک ریختند و برای فرزندشان ابراهیم نیز گریستند و دیگر مواردی که در کتاب‌های حدیث و تاریخ آمده است (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۴). حضرت فاطمه علیها السلام در برابر این اعتراضات ساکت نشدند، بلکه راه مبارزه را تغییر دادند و دست حسنین علیهما السلام را گرفتند و در حالی که در میان جماعتی از زنان مدینه بودند، به قبرستان بقیع می‌رفتند و در سایه‌ی درختی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نوحه سر می‌دادند، اما گروه غاصبان خلافت برای خاموش کردن فاطمه علیها السلام آن درخت را قطع کردند. امیر مومنان علیه السلام برای ایشان مکان مسقفی فراهم کردند که در آن به سوگواری بپردازند. این مکان بیت الاحزان نامیده شد (شرف الدین، بیتا، ص ۳۰۱).

نمونه دیگر آنکه حضرت زهرا علیها السلام با برخی از زنان مدینه در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه به قبور شهدا می‌رفتند و بر قبر حضرت حمزه علیه السلام حضور می‌یافتند و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله عزاداری و گریه می‌کردند و می‌فرمودند: «اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و آنجا مشرکان!» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۶۸). از این عبارت در می‌یابیم که حضرت زهرا علیها السلام برای زنان وقایع جنگ احد را باز می‌گفتند و معلوم است که جنگ احد افشاگر منافقان بود؛ چرا که آنان در این جنگ گریختند و امیرمومنان علیه السلام در این جنگ ایستادگی کردند و باعث نجات جان رسول خدا صلی الله علیه و آله شدند. حضرت فاطمه علیها السلام می‌خواستند بگویند که امروز حکومت را کسانی به عهده گرفتند که در جنگ‌ها فرار می‌کردند. بدیهی است

که بانوی حاضر این سخنان را انتشار می‌دادند و چهره‌ی منافقان و غاصبان برای مردم آشکار می‌شد و حکومت غاصبان به تزلزل می‌افتاد (کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۸). در زندگی حضرت معصومه علیها السلام، این شیوه از جهاد و دفاع مشهود است و بی‌شک، این مرحله‌ی دفاع از ولایت، برگرفته از سیره جدّه بزرگوارشان است که نسبت به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از شدت کمتری برخوردار است.

کلینی نقل کرده است: «هنگامی که امام رضا علیه السلام به مرو تبعید شد، با خانواده و برادران و خواهران و فامیل و نیز با شیعیان و دوست‌دارانشان در مدینه وداع کردند. امام با خواهر بزرگوارشان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام وداع ویژه‌ای داشتند. بدین‌گونه که برادر و خواهر به کنار مزار و مرقد جدّه بزرگوارشان رسول خاتم صلی الله علیه و آله رفتند. سپس در کنار مزار جدّه مطهرشان، حضرت زهرا علیها السلام و دیگر اجدادشان در بقیع حاضر شدند و باهم عهد بستند و وداع جانسوزی نمودند (یوسفی، بی‌تا، ص ۶۳).

این نمونه از وداع در سیره جهادی حضرت معصومه علیها السلام تنها جنبه عاطفی (دوری از برادر) نداشته است، بلکه موضوعیت این نوع گریه و وداع حضرت با امام زمانش، نشانگر عدم رضایت ایشان از وضع موجود جامعه است. از این رو با وجود اینکه مطالب زیادی در این باب موجود نیست، اما با مطالعه‌ای اندک مشاهده می‌شود که حضرت معصومه علیها السلام با تأسی از سیره جدّه گرامی‌شان حضرت زهرا علیها السلام، وجه گریه را به عنوان نشان دادن اعتراضشان بر شرایط موجود جامعه و تبعید امام جامعه و در جهت حمایت از حریم امامت و ولایت اتخاذ کردند. بنابراین مراد از گریه، جنبه عاطفی و غم و اندوه ناشی از یک حادثه نیست، بلکه مراد از گریه در این بحث، موضوعیت گریه و ماهیت اعتراضی آن است. حضرت فاطمه علیها السلام و به پیروی از ایشان حضرت معصومه علیها السلام، با گریه‌های هدفمند، اعتراض خود را نسبت به شرایط موجود جامعه در جهت تظلم‌خواهی و دفاع از مقام ولایت، به خوبی برای مردم جامعه و آیندگان تبیین کردند و با اقدامات شایسته و به موقع، مسیر منحرف شده امامت را به مسیر اصلی خود بازگرداندند.

۳-۳. انتخاب بهترین مکان و زمان

انتخاب زمان و مکان مناسب، از دیگر شیوه‌های رفتاری و جهادی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دفاع از امامت و ولایت است. برای ایجاد یک حرکت انقلابی که تأثیر ماندگاری در تاریخ داشته باشد، انتخاب مکان مناسب که برای مردم دارای اهمیت باشد، بسیار مهم است. همچنین برای تأثیرگذاری سخن بر عمق اندیشه مخاطب، زمان سخن گفتن نیز باید مناسب باشد، چون اگر مخاطب آمادگی شنیدن سخن را نداشته باشد، سخنرانی بی‌فایده خواهد بود و رسیدن به مطلوب محقق نخواهد شد.

حضرت زهرا علیها السلام که در دامان نبوت پرورش یافته است، به این مطلب کاملاً واقف بودند. از این رو مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله را برای شروع حرکت انقلابی خود انتخاب کردند و تدابیری اندیشیدند و همراه با گروهی از بانوان آگاه، برجسته، آزادی‌خواه و مخالف بیداد، در جهت دفاع از مقام ولایت به سمت مسجد حرکت کردند (محقق، ۱۳۸۰، ص ۸۱). از طرف دیگر، حضرت فاطمه علیها السلام مسجد را زمانی که آکنده از توده‌های مختلف مردم اعم از سران مهاجر و انصار بود انتخاب کردند و با توجه به این انتخاب آگاهانه، نقش اساسی در دفاع از امامت ایفا کردند (همان). در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در خصوص اهمیت جایگاه مسجد آمده است:

«مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان‌که معروف شده در زبان‌ها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله‌ی اجتماعی، بلکه مسجد می‌تواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد. مسجد یک چنین جایگاهی است. بنابراین مسجد، هم پایگاه مقاومت، هم پایگاه رشد فعالیت‌های فرهنگی، هدایت فرهنگی و بصیرت‌فرهنگی و سیاسی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

از این رو حضرت زهرا علیها السلام با در نظر گرفتن شرایط جامعه، بهترین مکان را برای تظلم خواهی و

دفاع از ولایت برگزیدند. حضرت معصومه علیها السلام نیز در انتخاب مکان برای تبلیغ و سخنرانی، شهر قم را برگزیدند. برتری سرزمین قم و محوریت آن یکی از عوامل هجرت و تبلیغ فاطمه معصومه علیها السلام به ایران بود (زاهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۲).

دلیل اصلی این انتخاب حضرت معصومه علیها السلام این نکته بود که امامان معصوم علیهم السلام در مناسبت های مختلف، شهر قم و اهالی آن را مورد عنایت قرار داده بودند. گاهی ائمه اطهار علیهم السلام با فرستادن تحفه ها و هدایا، اهل قم را مفتخر می ساختند. از جمله می توان به ابی جریر زکریا بن ادریس و زکریا بن آدم و عیسی بن عبدالله و چند نفر دیگر اشاره نمود که به افتخار اخذ هدایای ارزشمندی همچون انگشتری و جامه و کفن از دست مبارک ائمه هدی علیهم السلام نائل شدند (فقیهی، بی تا، ص ۹۲). عفان بصری نقل کرده است که روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی چرا شهر قم را «قم» نامیده اند؟ عرض کردم: خدا و پیغمبرش و شما آگاه تر هستید. امام علیه السلام فرمود: قم نامیده شده است برای اینکه اهل آن با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله همراه می شوند و با او قیام نموده و بر او استقامت می ورزند و او را یاری می رسانند». امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعِنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمٍ، فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۵۸)؛ هرگاه در تنگناهای زندگی قرار گرفتید و بلاها و مصیبت ها به شما روی آورد، به سوی قم بروید، چون آنجا پناهگاه فرزندان فاطمه علیها السلام است (فقیهی، بی تا، ص ۱۲۳). روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام در بیان جایگاه قم و اهل آن وارد شده است و در آن ها شهر قم با القاب و عناوین ویژه ای مورد تجلیل قرار گرفته است، از این رو حضرت معصومه علیها السلام با آگاهی کامل از این روایات و جایگاه شهر قم، بهترین مکان را برای حرکت سیاسی خود و دفاع از امام عصر خویش انتخاب کردند.

از این رو با مطالعه سیره حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام این نتیجه گرفته می شود که این دو بانوی بزرگوار با انتخاب زمان و مکانی مناسب بعنوان دو عنصر اصلی در تبلیغ به دفاع از ولایت پرداختند، چون بدون در نظر گرفتن زمان و مکان تبلیغ، نمی توان برای تبلیغات سازنده و اثرگذار برنامه ریزی کرد.

۳-۴. راهپیمایی اعتراض آمیز

یکی دیگر از رفتارهای جهادی حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام، راهپیمایی و هجرت این دو بانو از مکانی به مکان دیگر به منظور نشان دادن اعتراض خود در جایگاه تبیین و دفاع از ولایت است. واژه هجرت به معنای انتقال از منطقه‌ای به منطقه دیگر، یکی از شیوه‌های اعتراض علویان به حکومت غاصب وقت بود. از این رو حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام برای دفاع از جایگاه امام زمان خود، به صورت جهادگونه و با تحمل رنج و سختی به جهاد هجرت و راهپیمایی اعتراض آمیز می‌پرداختند.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارشان و غضب مقام ولایت توسط ناهلان، با رفتن بر درب منزل مهاجرین و انصار به تبیین مقام امامت می‌پرداختند و از آنان درخواست می‌کردند که امام زمان خود را یاری کنند. در روایات بسیاری نقل شده است که حضرت علی علیه السلام شب هنگام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بر چهار پای می‌نشاند و به درب منازل خانه‌های انصار می‌برد و از آنان می‌خواستند که در باز پس‌گیری حقشان به آنان کمک کنند. فاطمه علیها السلام آنان را به یاری علی علیه السلام می‌خواند، اما انصار در پاسخ می‌گفتند: ای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، با ابوبکر بیعت کرده‌ایم و کار از کار گذشته است. اگر پسر عمویت برای به دست گرفتن زمام خلافت بر ابوبکر پیشی گرفته بود، البته ما ابوبکر را نمی‌پذیرفتیم. امام علی علیه السلام در پاسخ آنان فرمود: «أفكنت أترك رسول الله ميتاً آخرج إلى الناس أنازعهم في سلطانة»؛ آیا جنازه پیامبر را رها نموده و به دنبال مردم می‌رفتم و در سلطنت با مردم درگیر می‌شدم؟ فاطمه علیها السلام نیز افزود: «أبوالحسن آنچه را که شایسته بوده، انجام داده، ولی مردم کاری کرده‌اند که سال‌ها بعد، خدا به حسابشان خواهد رسید و باید پاسخگوی این ظلم باشند» (ابن ابی الحدید، بیتا، ج ۱۲، ص ۸۷). حضرت فاطمه معصومه علیها السلام همچون اجداد طاهرینش، با تاسی به حضرت فاطمه علیها السلام، در مقابل تهدیدها و فشارهای حکومت ظالم علیه خاندان اهل بیت علیهم السلام علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی و بیان احادیث شیعه در خصوص غدیرخم و ولایت و امامت

(ابن بابویه، بیتا، ص ۸۲)، در حرکتی سیاسی - اجتماعی و به نشانه اعتراض پس از دریافت نامه امام رضا علیه السلام به تنهایی راهی قم نشدند، بلکه تعداد زیادی از عموزادگان، برادرها و امامزادگان نیز همراه ایشان شدند و حلقه‌ی بزرگی از راهپیمایی سادات بنی هاشم را با هدف حمایت و دفاع از امام زمان خویش تشکیل دادند (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴-۱۰۸). بنابراین این دو بانوی بزرگوار در اقدامی مشابه، به نشانه اعتراض و با هدف تبیین مقام ولایت، راهپیمایی اعتراض آمیز و هجرت را برگزیدند و وارد عرصه مبارزه با دشمنان اسلام شدند. اصل این اقدام برای جامعه اسلامی امروز، نشان از الگویی کامل در مقابل هجمه‌های دشمن دارد که در برخی وقایع و شرایط حساس تاریخی باید با انجام راهپیمایی‌هایی اعتراض آمیز و حضور به موقع وارد صحنه جهاد شد و اجازه تخطی و نفوذ دشمن به افکار و اذهان جوامع اسلامی را نداد. با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب، حضور به موقع در صحنه نبرد مانع نفوذ دشمن شده و جامعه اسلامی امروز را از یک جامعه منفعل و سست اراده و پر از چالش به یک جامعه با بصیرت، پُرانگیزه، علاقه‌مند، همت‌دار، هدف‌دار، آرمان‌خواه تبدیل و وارد میدان نبرد می‌کند.

۳-۵. بذل جان و شهادت

آخرین اقدام جهادی حضرت زهرا علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام در دفاع از حریم امامت که نهایت فداکاری برای امام به‌شمار می‌رود؛ بذل جان و شهادت است. این دو بانوی بزرگوار، امام خویش را به خوبی شناخته، با گفتار و رفتار خویش از ایشان حمایت کرده، جایگاه ولایت را در جامعه در نهایت رنج و مشقت تبیین ساخته و تا پای جان در مقابل دشمنان ایستادند. هنگامی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله با ابوبکر بیعت شد، حضرت علی علیه السلام و زبیر، از بیعت با او امتناع کردند. ابوبکر، عمر را به سراغشان فرستاد و او با تهدید مبنی بر آتش کشیدن خانه حضرت درخواست مجدد خود را مبنی بر بیعت با ابوبکر اعلام کرد. در این بین حضرت زهرا علیها السلام با آمدن پشت

درب منزل زمان به آتش کشیده شدن خانه از ولایت دفاع کردند. ابن قتیبه نوشته است: «إِنَّ أَبَا بَكْرٍ فَقَدْ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ فَجَاءَ فَنَادَاهُمْ وَهُمْ فِي دَارِ عَلِيٍّ، فَأَبَوْا أَنْ يُخْرَجُوا فَدَعَا بِالْحَطَبِ وَقَالَ: وَاللَّذَى نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتَخْرُجَنَّ أَوْ لَأُحْرَقَتْهَا عَلِيٌّ مَنْ فِيهَا، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا حَفْصٍ إِنَّ فِيهَا فَاطِمَةَ فَقَالَ، وَإِنَّ؛ ابوبكر از کسانی که از بیعت با او سرپیچی کردند و در خانه علی علیه السلام گردآمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به در خانه علی علیه السلام آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج از خانه امتناع ورزیدند. در این موقع عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیایید یا خانه را با شما آتش می‌زنم. مردی به عمر گفت: ای اباحفص در این خانه، فاطمه علیها السلام هست، گفت: باشد!» (جعفرپور، ۱۳۹۰، ص ۴۲۵).

در ماجرای هجوم دوم به منزل دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از زبان عمر این‌گونه نقل شده است: «در سفارش و نامه فلانی به معاویه آمده است که: پس به فاطمه گفتم: اگر علی از خانه خارج نشود، هیزم زیادی می‌آورم و این خانه را آتش می‌زنم و هر کس را در آن است، بیرون خواهم آورد؛ مگر اینکه علی بیعت را بپذیرد و به خالد گفتم: این افرادمان را بفرست تا هیزم فراوانی جمع کنند و آتش نیز بیاور. وقتی خالد آمد، گفتم: ای فاطمه! من، آتش را روشن خواهم کرد. پس فاطمه علیها السلام گفت: آتش بر تو باد ای دشمن خدا و دشمن رسولش و دشمن امیرالمؤمنین! پس با دستم به تیرک عمودی درب کوفتم که آن را باز کنم تا خود و همراهانم، وارد خانه شویم. پس او با دستش به درب ضربه زد تا مانع از باز کردن درب شود. پس باز کردن درب برایم سخت شد و با شلاق به دستش زدم و با پا به درب لگدم و در این در حالی بود که شکمش را به درب چسبانده بود. در این موقع شنیدیم که فریادی عمیق کشید و گفت: ای پدر جان! با

فرزند محبوب و دختر تو این چنین می‌کنند. آه، فِضّه! مرا دریاب که جنینم کشته شد و شنیدیم و متوجه شدیم که درد زایمان او را گرفته، در حالی که پشت به دیوار چسبانده بود. پس درب را هل دادم و وارد شدم و او با چهره‌ای که نورش چشمم را می‌زد، به سمت من آمد و من، از روی پارچه و روسری‌ای که به سر داشت به صورتش چنان سیلی زدم که در نتیجه، گوشواره‌اش پاره شد و بر زمین افتاد...» (مازندرانی، ۱۴۳۶، ص ۳۷۱، ۳۷۴).

بنابراین حضرت زهرا علیها السلام بر اثر ضربه قفند و هجوم دشمن به درب خانه ایشان، بعد از مدتی که در بستر بیماری ماندند، به شهادت رسیدند و با این اقدام جان خود را فدای امام زمان خویش کردند. حضرت بارها اعتراض خود را با گریه‌های هدفمند، سکوت، راهپیمایی و غیره در جهت مبارزاتشان علیه حاکم وقت و نارضایتی از دستگاه حاکم به گوش همگان رساندند و در نهایت، با وصیت‌نامه سیاسی - تاریخی خود، دامنه جهاد و مبارزه خود را تا قیامت توسعه دادند. ایشان با انگیزه الهی و با حفظ بصیرت، به دفاع از حقیقت ولایت و احقاق این حق پرداختند و مبارزه‌ای را آغاز کردند که هنوز هم ادامه دارد» (هلالی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۱، ۲۲۶).

حضرت معصومه علیها السلام نیز به درخواست امام رضا علیه السلام به شهر قم عزیمت نمودند و در مسیر سفر، در راستای دفاع همه جانبه از مقام ولایت مانند جدّه بزرگوارشان با توجه به روایات تاریخی در ساوه توسط زنی مسموم و با حالت بیماری به قم رفته و در آنجا به شهادت رسیدند و جان خود را فدای امام عصر خود کردند (همان، ص ۸۰).

در برخی روایات و احادیث تاریخی آمده است که هنگامی که کاروان حضرت معصومه علیها السلام و همراهانش به شهر ساوه رسید، دشمنان اهل بیت علیهم السلام به کاروان حضرت حمله کردند. هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام، برادر حضرت که سرپرستی کاروان را برعهده داشت، شهید و جمعی را مجروح نموده و باعث پراکندگی آن‌ها شدند. حضرت معصومه علیها السلام توسط زنی که در غذایشان زهر ریختند مسموم و بیمار شدند. حضرت تقاضا کردند که ایشان را به قم ببرند. بعد از اسکان در قم، حضرت پس از چند روز به شهادت

رسیدند (محیطی اردکانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴؛ سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸).

بنابراین حضرت زهرا علیها السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، پس از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و اقدامات جهادی - هنگام بی‌تفاوتی مطلق جامعه نسبت به امام و رهبر و سخنان او - با فدا کردن جان ارزشمند خود به عنوان آخرین گام، مسیر دفاع از ولایت و امام جامعه را به خوبی برای مردم تبیین کردند.

نتیجه‌گیری

جهاد تبیین، به معنای تلاش طاقت فرسا همراه با رنج و مشقت در جهت روشنگری، اقدام و رسالت اصلی حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام در دفاع از ولایت است. اقدامات جهادی این دو بانوی بزرگوار در دفاع از مقام امامت با کلام و سخنان نافذ و رفتار مؤثر بر جامعه، امامت و ولایت را از مسیر انحراف جدی محفوظ داشت. حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام با تبیین جایگاه امام در جامعه و دفاع از حریم ولایت، نقشه راه را برای مسلمانان ترسیم و مسیر حق را به شیعیان و محبان خود نشان دادند. از این رو در جامعه کنونی که توطئه‌های دشمنان علیه اسلام، کشور و رهبر مسلمانان، اذهان و اعتقادات مردم را متزلزل کرده، باید با آسوه‌پذیری از سیره فاطمی و بکارگیری نقشه ترسیم شده کلامی و رفتاری حضرت، در نهایت رنج و مشقت برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی با روش‌ها و ابزارهای مختلف تلاش کرد و به دفاع از اسلام، جایگاه امامت و رهبری جامعه اسلامی پرداخت و در نتیجه توطئه‌های دشمن را با استفاده از همین حرکت‌های تبیینی، خنثی و جامعه را به جامعه آرمانی در جهت زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام تبدیل کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
نهج البلاغه، ترجمه: محمد حسین حسینی تهرانی، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۵ ق.

الف. منابع فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *امالی*، مقدمه و ترجمه: محمد باقر کمرهای، چاپ چهارم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۲. افرام البستانی، فؤاد، *فرهنگ ابجدی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۳. _____، *فرهنگ جدید عربی به فارسی*، محمد بندرریگی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۴. انصاری، محمد باقر، *فدک صدای فاطمی*، چاپ یازدهم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹ ش.
۵. جعفریور، مجید، *درسنامه فاطمی*، قم، بیت الاحزان، ۱۳۹۰ ش.
۶. جمعی از نویسندگان، *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)*، شهید، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱ ش.
۷. حسن زاده آملی، حسن، *مجموعه مقالات*، چاپ پنجم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۸. حسینی تهرانی، محمد حسین، *فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
۹. _____، *معاد شناسی*، مشهد، نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. _____، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم دمشق، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. دشتی، محمد، *فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام*، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه: غلامرضا خسروی، چاپ دوم، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. زاهدی، سید یاسین، *بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. سبحانی، جعفر، *ترجمه المحاضرات فی الالهیات*، تلخیص: علی ربانی گلپایگانی، قم، دارالفکر، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. شیخی، مژگان، *کاش تو را میدیدم*، چاپ سوم، تهران، قدیانی، بی‌تا.
۱۶. شیرازی، سید محمد، *شبهای پیشاور*، چاپ چهارم، بیجا، پیام علمدار، ۱۳۹۷ ش.
۱۷. فقیهی، علی اصغر، *تاریخ مذهبی قم*، قم، چاپ دوم، انتشارات زائر، بی‌تا.
۱۸. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. گلپایگانی، لطف الله، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، قم، واحد بین الملل دفتر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی، چاپ پنجم، بی‌تا.

۲۰. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، چاپ دوم، قم، بی نا، ۱۳۸۶ش.
۲۱. مصباح، مجتبی، و دیگران، معرفت شناسی: سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۱، چاپ هشتم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۹ش.
۲۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، صدرا، ۱۳۹۲ش.
۲۳. _____، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، چاپ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۲۵. مهدی یور، علی اکبر، کریمه اهل بیت (علیهم السلام)، بی جا، نشر حاذق، ۱۴۱۲ق.
۲۶. نعیمانی، محمد، آوای کوثر: خطبه صدیقہ طاهره حضرت زهرا (علیها السلام)، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ش.
۲۷. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد (علیهم السلام)، اسماعیل زنجانی، قم، الهادی، ۱۴۱۶ق.
۲۸. یوسفی، یوسفعلی، شهید غربت، قم، کوثر غدیر، بی تا.

ب. منابع عربی

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، اکمال الدین، منصور پهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ش.
۳. _____، عیون اخبار الرضا، چاپ دوم، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۴. ابن درید، محمد حسن، جمهره اللغة، چاپ دوم، بیروت، دارالعلم الملايين، ۱۹۹۸ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: هارون عبدالسلام، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، بی تا.
۶. بحرانی، محمد، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار، قم، موسسه الإمام المهدی (عج)، ۱۴۱۳ق.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عطار، چاپ سوم، بیروت، دارالعلم ملايين، ۱۴۰۴ق.
۸. شرف الدین، سید عبدالحسین، نص والاجتهاد، تهران، انتشارات اسوه، بی تا.
۹. صدوق، محمد بن بابویه قمی، امالی، چاپ سوم، نسیم کوثر، بی تا.
۱۰. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب، احتجاج، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۱. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم، بعثت، ۱۴۱۴ق.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ چهارم، بی جا، هجرت، ۱۳۸۶ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۴. مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، مثالب النواصب، بغداد، دارالوفاء، ۱۴۳۶ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ق.
۱۶. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۱۷. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تهران، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۸. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، قم، ایران نگین، بی تا.

ج. مقالات

۱. حسینی، جواد، «حضرت معصومه علیها السلام در دفاع از امامت»، فرهنگ کوثر، شماره ۷۱، ۱۳۸۶ ش.
۲. خرمی، جواد، «امام شناسی فاطمه زهرا علیها السلام»، مبلغان، شماره ۶۸، ۱۳۸۴ ش.
۳. رستمی، عباسعلی و دیگران، «بررسی و تبیین جایگاه جهاد بعنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم»، ادبیات پایداری، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۴. سالاری، سیده شیدا؛ امی، زهرا، «حضرت زهرا علیها السلام و ولایت مداری»، بانوان شیعه، تابستان ۱۳۸۴.
۵. صداقت، محمد عارف، «جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی با توجه به سخنان امام رضا علیه السلام»، کوثر معارف، ۱۳۸۹ ش.
۶. کریمی، محمود، «مفهوم شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن»، نشریه پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، بهار و شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۹ ش.
۷. محقق، طاهره، «روش‌های تبلیغاتی حضرت زهرا علیها السلام»، نامه جامعه، شماره ۸۰، اردیبهشت ۱۳۸۰ ش.
۸. محمدی، علی اکبر، محمدی مهر، «بصیرت، اهداف و ضرورتها»، کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، گرگان، ۱۳۹۳ ش.
۹. محیطی اردکانی، احمد، «فاطمه دوم»، مبلغان، شماره ۶، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. نیکوبرش راد، فرزانه، فاطمه زهرا الگوی مبارزه زن سیاسی، بی جا، بی تا.
۱۱. یوسفی، یوسفعلی، شهید غربت، قم: کوثر غدیر، بی تا.